

جمعیه خدمت المحتوی
الإسلامی باللغات



رسالهء مختصری در مورد اسلام چنانچه در قرآن کریم و سنت نبوی وارد گردیده است

الإِسْلَامُ - نُبْدَةُ مُوجِزَةٍ عَنِ الإِسْلَامِ (مُجَرَّدَةٌ عَنِ الأَدِلَّةِ)

فارسی دری



فارسی دری

کمیته علمی انجمن خدمت رسانی محتوای اسلامی به زبانهای گوناگون

الإِسْلَامُ
نُبْدَةُ مُوجَزَةٍ عَنِ الإِسْلَامِ
مُجَرَّدَةٌ عَنِ الأَدِلَّةِ

رسالهء مختصرى در مورد اسلام چنانچه در قرآن
كريم و سنت نبوى وارد گرديده است

اللَّجْنَةُ الْعِلْمِيَّةُ
بِجَمْعِيَّةِ خِدْمَةِ الْمُحْتَوَى الإِسْلَامِيِّ بِاللُّغَاتِ

كميته علمى انجمن خدمت رسانی محتوای اسلامى به زبانهاى گوناگون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام الله بخشاینده و مهربان

اسلام

رساله مختصری در مورد اسلام چنانچه در قرآن کریم و سنت نبوی وارد گردیده است

(۱) نسخهء بدون دلایل^۱

رسالهء مهمی که دربرگیرندهء تعریف مختصری از اسلام است و مهمترین اصول، آموزنده ها و خوبی های اسلام را در پرتو مصادر اصلی آن که قرآن و سنت نبوی است بیان مینماید. و این رساله به تمام مکلفین اعم از مسلمان و غیر مسلمان و به زبان خود آنان در هر زمان و مکان و تحت هر شرایطی تقدیم میگردد.

۱. اسلام؛ پیام الله متعال برای تمام مردم می باشد، و آن پیام جاویدان الهی است.

۲. اسلام دین ویژهء یک نژاد و ملت نیست؛ بلکه دین الله متعال برای همهء مردم است.

۳. اسلام عبارت از پیام الهی است که جهت تکمیل رسالت پیامبران گذشته علیهم الصلاة والسلام برای امت های شان فرستاده شده است.

۴. دین انبیاء علیهم السلام یکی و شریعت های شان مختلف است.

^۱ نسخهء دیگر این رساله که با دلایل از قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم اضافه گردیده است را میتوان از طریق لینک ذیل دریافت نمود.

۵. همانند تمام انبیاء اعم از نوح، ابراهیم، موسی، سلیمان، داود و عیسی علیهم السلام؛ اسلام نیز بسوی ایمان بر اینکه پروردگار همانا الله متعال پیداکننده، روزی دهنده، زنده گرداننده، میراننده و مالک تمام هستی میباشد فرا می خواند، و اوست که همه امور را تدبیر می کند و او دلسوز و مهربان است.

۶. الله سبحانه و تعالی پیداکننده و تنهایی سزاوار عبادت است، و اینکه هیچ کس دیگری با وی عبادت نشود.

۷. الله متعال پیداکننده هر آن چه در هستی است می باشد چه آن را ما میبینیم و یا نمیبینیم، و همه چیزها بجز او مخلوقی از مخلوقات اوست، و الله متعال زمین و آسمانها را در مدت شش روز آفریده است.

۸. و الله سبحانه تعالی را هیچ شریکی در ملک، پیدایش، تدبیر و عبادت او نیست.

۹. و الله متعال نه تولد شده است و نه از وی کسی تولد گردیده و نه او را همسان و همانندی است.

۱۰. و الله (متعال) در هیچ چیزی مدغم نمی شود، و در هیچ چیز از مخلوقاتش مجسم نمی گردد.

۱۱. الله (سبحانه و تعالی) بر بندگان دلسوز و مهربان است؛ بنابراین پیامبران را فرستاد و کتاب ها را نازل فرمود.

۱۲. الله (متعال) پروردگار مهربان است و او تنها ذاتیست که مخلوقات را زمانی که در روز قیامت از قبر های شان بر می خیزاند محاسبه می نماید، پس هر شخص را مطابق آنچه عمل نیک و یا زشت انجام داده است پاداش می دهد، کسی که اعمال نیک انجام داده است در حالی که مومن باشد او را نعمت های همیشگی است، و

کسی که کفر ورزیده و اعمال ناشایسته انجام داده است او را عذاب بزرگی در آخرت است.

۱۳. الله (متعال) آدم (علیه السلام) را از خاک آفرید، و اولاد او را بعد از وی گسترش داد، پس همهٔ مردم بر اساس اصل شان باهم برابر اند، هیچ نژادی را بر نژاد دیگری و هیچ قومی را بر قوم دیگری برتری نیست مگر بر اساس تقوا.

۱۴. هر نوزادی بر اساس فطرت زاده می شود.

۱۵. هیچ یک از بشر گنهگار و یا وارث اشتباه دیگران زاده نمی شود.

۱۶. هدف از خلقت مردم همانا عبادت یگانهٔ الله (متعال) است.

۱۷. اسلام انسان را - اعم از مرد و زن - کرامت بخشیده است، و تمام حقوق او را برایش تضمین نموده است، و او را مسئول تمامی اختیارات، کارکردها و تصرفاتش قرار داده است و او را مسئول هر عملی که به خودش و یا دیگران ضرر وارد نماید می پندارد.

۱۸. مرد و زن را از روی مسئولیت، پاداش و ثواب همسان قرار داده است.

۱۹. اسلام زن را کرامت داده است، و زنان را همتای مردان می شمارد، و بر مرد نفقه زن را در صورتی که توانا باشد لازم گردانیده است، پس نفقه دختر بالای پدرش و از مادر بالای فرزندش که بالغ و توانا باشد، و از همسر بالای شوهرش واجب است.

۲۰. مردن فنای همیشگی نیست، بلکه انتقال از سرای عمل به سرای پاداش است، مردن شامل جسد و روح می باشد، و مردن روح جدایی آن از بدن است، سپس روز قیامت بعد از زنده شدن دوباره بسوی او برمی گردد، و روح بعد از مرگ بر جسد دیگری انتقال نمی یابد، و نه در جسد دیگری یکجا می شود.

۲۱. اسلام بسوی ایمان با اصول بزرگ ایمان فرا می خواند که عبارت اند از: ایمان به الله (متعال) فرشتگانش، ایمان به کتاب های الهی مانند تورات، انجیل، زبور -قبل از تحریف آنها- و قرآن کریم، و ایمان به تمامی پیامبران و فرستادگان (علیهم السلام)، و به آخرین پیامبران که محمد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است و همچنان به قضا و قدر و روز آخرت ایمان بیاورد. و میدانیم اگر زندگانی دنیا پایان کار می بود، زندگی و هستی چیز بیهوده پی محض می بود.

۲۲. پیامبران (علیهم السلام) در هر آنچه که از جانب الله (متعال) می رسانند معصوم هستند، و از هر آنچه برخلاف عقل باشد و یا سرشت نیک از آن ابا ورزد معصوم هستند، و پیامبران (علیهم السلام) مکلف هستند که فرامین الله (متعال) را برای بندگانش برسانند، و پیامبران دارای ویژه گی های ربوبیت و الوهیت نیستند، بلکه آنان همانند دیگر انسان ها، انسان اند، الله (متعال) پیام خود را برای شان وحی می نماید.

۲۳. اسلام، تنها بسوی عبادت الله (متعال) با اصول کلی عبادات فرا می خواند، که عبارت اند از: نماز که دربرگیرنده قیام، رکوع، سجده، ذکر الله (متعال)، ثنا و صفت الهی و دعا می باشد، هر شخص روزه پنج مرتبه آن را ادا می نماید، و تمامی تفاوت های طبقاتی اجتماعی در آن برداشته می شود؛ لذا ثروتمند و فقیر، رئیس و مامور همه در یک صف در نماز می ایستند. و زکات: عبارت از مقدار اندکی ازمال که -مطابق شرایط و انداز پی که الله (متعال) آن را تعیین نموده است- در اموال ثروتمندان واجب می گردد، و برای فقرا و دیگران، سال یکبار داده می شود. و روزه: عبارت از پرهیز در روز ماه مبارک رمضان از مواردی که روزه را باطل می کند، و اراده و صبر را در انسان می پروراند می باشد. و حج: عبارت از رفتن به خانه الله (متعال) در مکه مکرمه

می باشد، و بالای هر شخصی که توانایی داشته باشد در عمر یک مرتبه لازم می گردد، در حج همه مردم در مقابل الله (متعال) یک برابر اند و تمامی اختلافات و وابستگی ها در آنجا از میان برداشته می شود.

۲۴. از بزرگترین چیزی که عبادت ها را در اسلام ویژه گی می بخشد این است که چگونگی، وقت ها و شرط های آن را الله (متعال) وضع نموده است، و پیامبر او (صلی الله علیه وسلم) آن را ابلاغ نموده است، و تا امروز هیچ فردی از بشر در آن دخالت ننموده است تا در آن زیادت و یا نقصانی صورت گیرد، به این عبادت های بزرگ همه انبیاء (علیهم السلام) اقوام خویش را فرا خوانده اند.

۲۵. محمد بن عبدالله از نسل اسماعیل فرزند ابراهیم (علیهم السلام) پیامبر و فرستاده پی اسلام است، وی در سال ۵۷۱ م در مکه تولد و در آنجا مبعوث گردید، سپس به مدینه منوره هجرت نمود، و در امور بت پرستی با قوم خود اشتراک نکرد، ولی در انجام اعمال نیک با آنان سهم می گرفت، قبل از بعثت خویش دارای اخلاق نیکو بود، قوم او وی را امین می نامیدند، و زمانی که چهل ساله شد الله (متعال) وی را به پیامبری مبعوث گردانید، و الله (متعال) وی را با نشانه های بزرگ (معجزه ها) تأیید کرد، که بزرگترین آنها قرآن کریم است، و آن از بزرگترین نشانه ها از میان نشانه های تمام انبیاء می باشد، و آن معجزه تا امروز جاویدان است. هنگامی که الله (متعال) دین را برای وی تکمیل نمود، و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آن را به صورت کامل ابلاغ کرد، او (صلی الله علیه وسلم) به عمر شصت و سه سالگی وفات نمود، و در مدینه نبوی (صلی الله علیه وسلم) دفن گردید، و محمد (صلی الله علیه وسلم) آخرین پیامبران و فرستادگان است، الله (متعال) وی را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی های بت پرستی، کفر و جهل بسوی روشنائی توحید و ایمان رهنمایی نماید،

و الله (متعال) تصدیق می کند که وی را به صفت دعوت کننده بسوی خود و به اراده خود فرستاده است.

۲۶. و شریعت اسلام که محمد (صلی الله علیه وسلم) آن را آورده، آخرین پیام های الهی و شریعت های ربانی است، و آن کاملترین شریعت می باشد، که در آن خوشبختی دین و دنیای مردم نهفته است، و اولتر از همه از دین، خون، مال، عقل و نسل مردم پاسبانی می نماید. و نسخ کننده تمامی شریعت های قبلی می باشد، چنانکه بعضی از شریعت های گذشته بعض دیگر خود را نسخ نموده است.

۲۷. (الله (متعال) دینی جز اسلام که محمد (صلی الله علیه وسلم) آن را آورده است نمی پذیرد، و هر آن که بجز از اسلام به دین دیگری بگردد هرگز از او پذیرفته نمی شود.

۲۸. قرآن کریم کتابی است که الله (متعال) آن را بر محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل نموده است، و الله (متعال) همه انسان و جن را به چالش فراخوانده است تا مانند آن و یا همانند سوره ای از سوره های آن بیاورند، و این چالش تا امروز پابرجاست، قرآن کریم به پرسش های زیاد مهمی پاسخ می دهد، و ملیون ها مردم را به حیرت می اندازد، و قرآن کریم به زبان عربی ای که نازل گردیده است تا امروز محفوظ است، و حتی حرفی از آن کم نگردیده است، و آن طبع شده و نشر شده است، و آن کتاب بسا بزرگ و معجزی است که سزاوار تلاوت و خواندن و یا خواندن ترجمه معانی آن می باشد، چنانکه سنت رسول الله، تعالیم و سیرت او (صلی الله علیه وسلم) محفوظ است، و با سلسله از راویان موثق نقل شده است، و با زبان عربی ای که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) با آن سخن می گفت منتشر گردیده، و با زبان های زیادی ترجمه شده است.

و قرآن کریم و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) یگانه مصدر احکام و قوانین اسلامی است؛ لذا اسلام از رفتار کسانی که منسوب به اسلام اند گرفته نمی شود، بلکه از وحی الهی که قرآن کریم و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) اند گرفته می شود.

۲۹. اسلام بر نیکویی با والدین، هرچند غیر مسلمان نیز باشند، و وصیت به فرزندان امر می نماید.

۳۰. اسلام بر عدالت در گفتار و رفتار امر می نماید، حتی با دشمنان.

۳۱. و اسلام بر نیکویی با تمام مخلوقات دستور می دهد، و به بهترین اخلاق و اعمال پسندیده فرا می خواند.

۳۲. اسلام بر اخلاق پسندیده مانند راستی، امانتداری، پاکدامنی، حیا، دلاوری، خودگذری، جوانمردی، کمک با مستمندان، امداد رسانی، طعام دادن گرسنگان، همسایه داری نیک، صله رحمی و نرم خوئی با حیوان امر می نماید.

۳۳. اسلام چیزهای پاکیزه از قبیل خوردنی و نوشیدنی را حلال می پندارد، و به پاکی قلب، بدن و منزل دستور می دهد، بنابراین نکاح را حلال قرار داده، چنانچه پیامبران (علیهم السلام) را نیز به آن فرمان داده است، پس آنان به هر پاکیزه گی امر می کنند.

۳۴. اسلام اصول محرمات مانند شرک بر الله (متعال)، کفر، پرستش بت ها، سخنی را بر الله (متعال) نسبت دادن بدون علم، قتل اولاد، قتل نفس محترم، فساد در روی زمین، جادوگری، انجام دادن فحشای آشکارا و پنهان، زنا و لواطت، سود، خوردن گوشت خود مرده، و آنچه برای بت ها ذبح شده باشند، گوشت خوک، و دیگر پلیدی ها و ناپاکی ها را حرام گردانیده است. و نیز خوردن مال یتیم، کاهش در ترازو و پیمانانه را حرام قرار داده است. و قطع صله رحمی را

نیز حرام گردانیده است، و تمام پیامبران (علیهم السلام) بر حرمت این محرمات متفق بودند.

۳۵. اسلام از اخلاق بد مانند دروغ، تقلب، غدر، خیانت، فریب، حسد، حيله گری، دزدی، فاحشه گری، ظلم، و از هر نوع اخلاق پلید و زشت منع می کند.

۳۶. اسلام از معاملات مالی پی که در آن سود، ضرر، فریب، ظلم یا تقلب باشد، یا اینکه منجر به مصیبت ها و آسیب کلی به جامعه، مردم و افراد باشد منع می کند.

۳۷. اسلام جهت حفظ عقل و حرام پنداشتن هر آن چیزی که عقل را فاسد می سازد آمده است، مانند نوشیدن شراب. و اسلام مرتبه عقل را بلند نموده تا جایی که آنرا محور تکلیف قرار داده است، و آن را از بند های خرافات و بت پرستی آزاد ساخته است. در اسلام راز ها و یا احکامی نیست که ویژه طبقة باشد و شامل طبقة های دیگر نشود، و تمامی احکام و قوانین اش در توافق با عقل سالم می باشد، که آن یک مقتضای عدل و حکمت است.

۳۸. دین های باطل زمانی که پیروان آن نتوانستند تناقض و اموری را که عقل آن را رد می کند درک کنند، رجال دین به پیروان خود وانمود کردند که دین مافوق عقل است و عقل نمی تواند که دین را دربر گیرد، و آن را درک کند، در این حال اسلام دین را روشنی ای می داند که راه عقل را برای آن روشن می نماید، پس پیروان دین های باطل از انسان می خواهند که عقل خود را کنار بگذارد و آن ها را پیروی کند، درحالی که اسلام از انسان می خواهد که عقل خود را بیدار نماید تا حقیقت کار ها را بگونه ای که هست درک نماید.

۳۹. اسلام علم درست را بزرگ می شمارد، و بر بحث علمی که عاری از خواهشات نفسانی باشد تشویق می نماید، و به سوی فکر

کردن و تأمل کردن در خود و کائنات اطراف ما فرامی خواند، و هرگز نتایج درست علمی با اسلام در تضاد نیست.

۴۰. الله (متعال) هیچ عملی را قبول نمی کند، و در آخرت اجر نمی دهد مگر از کسانی که ایمان آورده اند، و او (تعالی) را پیروی کرده اند و پیامبران او را (علیهم الصلاة والسلام) تصدیق نموده اند. و الله (متعال) عبادت ها را قبول نمی کند مگر این که موافق با شریعت اسلامی باشد؛ پس چگونه انسان به الله (متعال) کفر می ورزد و همزمان آرزوی اجر را می نماید؟ و الله (متعال) ایمان هیچ کسی را قبول نمی نماید تا آنکه به همهء پیامبران (علیهم السلام) و به رسالت محمد (صلی الله علیه وسلم) ایمان بیاورد.

۴۱. هدف از تمامی دستورات الهی این است که دین حق منزلت انسان را عالی گرداند تا بندهء مخلص پروردگار عالمیان شود، و وی را از بندگی انسان، ماده و خرافات آزاد سازد. اسلام، طوری که می بینید، اشخاص را مقدس نمی شمارد و آنان را بالاتر از منزلت شان قرار نمی دهد، و نه آنان را ارباب و معبود می گرداند.

۴۲. الله (متعال) توبه را در اسلام مشروع قرار داده است؛ و آن عبارت از بازگشت انسان بسوی پروردگارش و ترک گناه است، اسلام گناهان گذشته را از بین می برد، و توبه همچنان گناهان گذشته را محو می سازد، پس اعتراف به گناهان در محضر مردم لازم نیست.

۴۳. در دین مبین اسلام ارتباط میان الله (متعال) و انسان ارتباط مستقیم است، و نیاز به کسی نیست تا میان تو و پروردگارت واسطه گردد، پس اسلام از این که بشر را معبود و یا شریک در ربوبیت و یا الوهیت او (تعالی) بسازیم منع می کند.

۴۴. در اخیر این رساله یاد دهانی می کنیم که مردم با در نظرداشت اختلاف زمان، ملیت ها و سرزمین های شان بلکه تمامی اجتماع انسانی

در افکار و اهداف شان مختلف اند، و نظر به محیط و کردار شان فرق می کنند، بنابراین نیاز بر رهنما دارند تا آنها را راه بنمایاند، و نظامی که آنان را متحد سازد، و حاکمی که آنان را پشتیبانی نماید، و پیامبران (علیهم السلام) این مسئولیت را از جانب الله (متعال) بواسطه وحی الهی به دوش می گرفتند، و مردم را بسوی راه خیر هدایت می نمودند، و همه شان را بر شریعت الهی متحد می کردند، و میان شان بر حق فیصله می نمودند، پس همه امور شان بنابر پذیرفتن دعوت پیامبران، و نزدیک بودن شان به عصر پیامبران الهی درست پیش می رفت، و الله (متعال) رسالت ها را با رسالت محمد (صلی الله علیه وسلم) به پایان رسانید، و برای این رسالت بقا و جاودانی نوشت، و آن را راهنما برای مردم، رحمت، نور و راهی برای رسیدن به او (سبحانه و تعالی) قرار داد.

۴۵. بنابراین؛ ای انسان! من تو را فرامی خوانم که صادقانه و عاری از هرگونه تقلید و عادت برای الله (متعال) برخیزی، و بدانی که بعد از مرگ بسوی پروردگارت بر می گردی، و بسوی خود و افق های اطراف خود بنگر، پس اسلام بیاور در دنیا و آخرت سعادت مند می گردی، و اگر تصمیم بر داخل شدن در اسلام را داری پس بر تو است که گواهی دهی که معبودی بر حق جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است، و بی زاری از هر آنچیزی که بدون الله عبادت می شود، و ایمان بیاور که الله (متعال) تمام کسانی را که در قبرها هستند بار دیگر زنده می نماید، و این که حساب و پاداش عمل حق است، پس وقتی این گواهی را دادی؛ تو مسلمان شده ای، پس بر تو بعد از آن لازم است که الله (متعال) را به وسیله ی نماز، زکات، روزه و حج اگر توانایی آن را داشتی پرستش نمایی.

prs27171,0 - 04/07/2026

جمعية خدمة المحتوى
الإسلامي باللغات

